

Wife's Financial Rights during Married Life in Iran and France

Seyyed Mohsen Fattahi*

Fariba Parvinian**

(Received: 15/10/2020; Accepted: 01/06/2021)

Abstract

This paper compares the wife's financial rights in Iranian family law with French law and concludes that according to the existing laws and changes that have taken place and the variety of lifestyles, nowadays the wife's financial rights in the family such as *ojrat al-methl* (equivalent remuneration) and alimony as well as dower do not create a fair economic relationship between couples. Therefore, although the enactment of such laws in the fourteen centuries ago was an effective and great step to realize the financial rights of the wife, in the customary and cultural conditions of today's society, the implementation of these laws is such that they cannot solve the financial problems of the wife. Also in the real world, their implementation is guaranteed only by the fairness and justice of the husband. Given the strategies in France and some other countries turning to the conclusion of prenuptial agreements, this comparative study, following French law, seeks to propose that instead of including pre-determined conditions in the contract marriage (which is not required for the husband to accept) the couple arrange the prenuptial contract on financial rights, custody of children and the like under the supervision of a lawyer. It is hoped that this solution, by creating transparency resulting from a specific contract, can reduce family disputes, facilitate the resolution of family problems, and protect the wife's financial rights.

Keywords: Woman, Family, Wife Rights, Financial Law, French Law.

* Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, mohsen.fattahi@urd.ac.ir.

** PhD Student in Women's Studies (Women's Rights in Islam), University of Religions and Denominations (Corresponding Author), parvinian@org.ikiu.ac.ir.

حقوق مالی زوجه در طول زندگی مشترک در ایران و فرانسه

سید محسن فتاحی*

فریبا پروینیان**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۱]

چکیده

این نوشتار حقوق مالی زوجه را در قوانین خانواده ایران با حقوق فرانسه مقایسه می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که با توجه به قوانین موجود و تغییرات و تحولاتی که رخ داده و تنوع سبک زندگی، حقوق مالی زوجه در خانواده مانند اجرت‌المثل و نفقه و همچنین مهریه امروزه موجب ایجاد روابط عادلانه اقتصادی میان زوجین نمی‌شود. لذا هرچند وضع چنین قوانینی در چهارده قرن پیش گامی مؤثر و بزرگ برای احقاق حقوق مالی زوجه بوده ولی در اوضاع و احوال عرفی و فرهنگی جامعه کنونی نحوه اجرای این قوانین به گونه‌ای است که نمی‌تواند مشکلات مالی زوجه را حل کند و در عالم واقعی ضمانت اجرای آن را انصاف و عدالت زوج تعیین می‌کند. با توجه به راهکارهایی که در فرانسه و برخی کشورهای دیگر در روی آوردن به انعقاد قراردادهای توافقی قبل از ازدواج وجود دارد، این مطالعه تطبیقی در صدد است با الگوپذیری از حقوق فرانسه این پیشنهاد را مطرح کند که به جای درج شروط از پیش تعیین شده در عقدنامه (که پذیرش آن برای زوج الزامی هم نیست)، زوجین زیر نظر وکیل، درباره حقوق مالی، حضانت فرزندان و مانند آن، قراردادهای پیش از ازدواج تنظیم کنند؛ امید است این راه‌حل با ایجاد شفافیت ناشی از انعقاد قرارداد مشخص، نزاع‌های خانوادگی را تقلیل دهد، و حل مشکلات خانوادگی را تسهیل کند، و سبب حمایت از حقوق مالی زوجه شود.

کلیدواژه‌ها: زن، خانواده، حقوق زوجه، حقوق مالی، حقوق فرانسه.

* استادیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران Mohsen.fattahi@urd.ac.ir

** دانشجوی دوره دکتری مطالعات زنان با گرایش حقوق زن در اسلام، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران
(نویسنده مسئول) parvinian@org.ikiu.ac.ir

مقدمه

اسلام در چهارده قرن پیش حقوق مالی زوجه را همچون مهریه، نفقه و اجرت‌المثل^۱ در نظام خانواده شکل داد و زوجه را مسلط بر اموال خود کرد. بنا بر تعالیم قرآنی، هیچ کس نمی‌توانست این حق را از او سلب کند^۲ (هدایت‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۵). اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها به یکسان درباره زوجه و زوج اعمال می‌شود (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۴۱۷). این در حالی است که در کشورهای اروپایی تا اواسط قرن نوزدهم سایه قوانین قیومیت^۳ (Coverture)^۴ سنگینی می‌کرد. قوانین قیومیت، زوجه را از بهره‌مندی از حقوقی نظیر مالکیت دارایی، همه دستمزدها و ثروت موروثی محروم می‌کرد و همه را در اختیار زوج قرار می‌داد. در حقیقت، طبق این قوانین، همه دارایی زوجه، ملک زوج می‌شد، زوجه محجور بود و با هیچ کس نمی‌توانست قرارداد مالی منعقد کند.

در کشوری مانند فرانسه در سال ۱۷۹۱ دولت انقلابی فرانسه حق ارث‌بردن را به زنان اعطا کرد، هرچند وقتی حکومت برگشت این حق از آنان سلب شد و حتی تا حدود یک قرن پیش حق داشتن حساب‌های بانکی را نداشتند. در سال ۱۸۸۱ ارث‌بردن زنان قانونی شد. پنج سال بعد از اعطای حق ارث به زنان، زنان متأهل هم مستحق بازکردن حساب بانکی بدون اجازه زوج شدند. انگلیس تا سال ۱۹۷۵ چنین اجازه‌ای به زنان نداد و ایالات متحده تا دهه ۱۹۶۰ زنان را از داشتن حساب بانکی محروم می‌کرد. بعد از آغاز انقلاب زنان و خیزش مطالبه‌گرانه ایشان وضعیت کم‌کم بهبود یافت، به طوری که قانون شماره ۸۷۳ فرانسه که در آگوست ۲۰۱۴ به تصویب رسید بر برابری اساسی زنان و مردان تأکید می‌کرد (Potter, 2014: 21).

این نوشتار در صدد است با بررسی حقوق مالی زوجه در قوانین ایران و مقایسه آن با قوانین فرانسه، راهکاری عملی در جهت تسهیل استیفای حقوق مالی زوجه در ایران مطرح کند.

۱. حقوق مالی زوجه در خانواده ایرانی در طول زندگی مشترک

نزول آیه ۳۲ سوره نساء با این بیان که «برای زنان از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است، و برای مردان نیز از آنچه به اختیار کسب کرده‌اند بهره‌ای است و از فضل خدا درخواست کنید که خدا بر هر چیزی دانا است»^۵ این مفاد را جاری کرد که هر یک از زن و مرد آن چیزی را که به دست می‌آورند، خواه اختیاری باشد، مانند کسب درآمد، یا غیراختیاری مانند ارث، به خودشان اختصاص دارد و حق استفاده و بهره‌برداری را مستقلاً خواهند داشت. در علم فقه نیز بر اساس آموزه‌های قرآنی و کشف از سنت و رویه و کلام معصومان (علیهم‌السلام) قاعده تسلیط^۶ شکل گرفت و مبنایی شد برای هر یک

از زوجین که در اموال خود هر گونه تصرفی داشته باشند. بنابراین، زوجه در جامعه اسلامی می‌تواند مالک شود، در اموال خود تصرف کند، از خویشاوندانش ارث ببرد یا حتی به طریق مشروع کسب درآمد و تجارت کند (فرزند وحی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۴۴). لذا در حقوق ایران اصل استقلال مالی مبنای روابط مالی زوجین است و هر یک در اکتساب و تصرف در اموال خود استقلال کامل دارند (حیدری و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۱). بدین معنا که زوجه و زوج دارایی‌های جداگانه‌ای دارند و اموالشان دارایی مشترک را تشکیل نمی‌دهد. بنابراین، زوجه پس از ازدواج در اداره و تصرف اموالش، چه آنچه از پیش از ازدواج داشته و چه آنچه بعد از آن کسب می‌کند استقلال کامل دارد و می‌تواند هر گونه عمل حقوقی راجع به آن انجام دهد و زوج بنا بر قوانین ایران، که سرپرستی خانواده را بر عهده دارد، حق هیچ‌گونه تصرف و دخالتی در امور مالی زوجه ندارد. در حقیقت، این رژیم مالی به عنوان رژیم حاکم بر روابط مالی زوجین در کشور ما پذیرفته شده است (عباس‌زاده محمودی و میر، ۱۳۹۶: ۲۰۳). هر چند سرپرستی زوج موجب شده است حقوقی را برای او منظور کنند و از سوی دیگر تعهداتی در قبال زوجه داشته باشد. این تعهدات برخی مالی است و به عنوان حقوق مالی زوجه شناخته شده و شامل مهریه، نفقه، اجرت‌المثل و نحله است. همچنین، شروطی است که در ضمن عقد به آن متعهد می‌شود.

در ادامه، به حقوق مالی زوجه، یا به تعبیر دیگر تعهدات مالی زوج در قبال زوجه، در طول زندگی مشترک در قوانین ایران می‌پردازیم و سپس نگاهی به قوانین فرانسه در این باره خواهیم داشت.

۱.۱. تعهدات مالی زوج در قبال زوجه در طول زندگی مشترک در قانون مدنی ایران

تعهدات مالی زوج همان حقوق مالی زوجه است، شامل حق او راجع به مهریه، نفقه و اجرت‌المثل و تنصیف دارایی که به صورت شرط ضمن عقد زوج را به آن متعهد می‌کند. این حقوق از زوجیت ناشی می‌شود و بنیان خانواده بر اساس آن شکل می‌گیرد، به این ترتیب که به محض انعقاد عقد نکاح، زوجه مستحق این حقوق خواهد شد، هر چند برای مالکیت تام برخی حقوق، نظیر مهریه، شرط دخول آورده شده است یا نفقه منوط به تمکین است، و شرط تبرعی نبودن فعالیت‌های زن در خانه نیز بر اجرت‌المثل سایه افکنده است (هدایت‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۵-۲۷).

الف. مهریه

با برقرارشدن عقد نکاح دائم، طبق ماده ۱۰۸۲ ق.م. زوجه مالک مهر خود می‌شود. در این

قانون آمده است: «در صورت تعیین مهریه، زوجه به مجرد عقد مالک مهر می‌شود». مهریه مالی است که زوج ملزم است به همسر خود بپردازد. الزام در این خصوص قانونی است و به توافقات مربوط نمی‌شود. بنابراین، حتی اگر دو طرف هم خواستار آن نباشند تکلیف زوج در این باره از بین نمی‌رود، به طوری که اگر در هنگام عقد چیزی در نظر گرفته نشود باز هم زوج باید مهرالمثل را بپردازد، چراکه در قرآن هم بر آن تأکید شده است: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نَحْلَهُ» (نساء: ۴).^۷ فقط در جایی به زوجه مهر تعلق نمی‌گیرد که فسخ نکاح پیش از نزدیکی به سببی غیر از عنن^۸ یا مرگ یکی از زوجین اتفاق بیفتد. در این باره ماده ۱۱۰۱ ق.م. صراحتاً به آن پرداخته است.

ب. نفقه

نفقه شامل خوراک و پوشاک و چیزهایی است که هر فرد برای گذران زندگی عادی به آن نیازمند است. در قوانین اسلام نفقه زوجه بر عهده زوج است، البته به شرط تمکین خاص از زوج و ناشزه‌نشدن. اگر ناشزه شد دیگر زوج در این باره وظیفه‌ای در قبال او ندارد. در ماده ۱۱۰۷ ق.م. این‌گونه تعریف شده: «نفقه عبارت است از مسکن، البسه، غذا و اثاث منزل که به طور متعارف با وضعیت زوجه متناسب باشد و خادم، در صورت عادت زوجه به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا». در تعریف دیگری گفته‌اند: «تمام وسایلی است که زوجه با توجه به درجه تمدن، محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود بدان نیازمند است» (فرزند وحی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۴۶). همچنین، قانون‌گذار در سال ۱۳۸۱ هزینه‌های بهداشتی را بر تعهدات زوج افزوده است.^۹ به موجب ماده ۱۱۰۶ پرداخت نفقه از طرف زوج قاعده‌ای است امری^{۱۰} که زوجه و زوج نمی‌توانند برخلاف آن تراضی کنند، یا به عبارت دیگر تکلیف زوج در پرداخت نفقه زوجه دائم در نظام حقوقی ایران مسلم و تخلف‌ناپذیر است و با شرط خلاف آن تغییرپذیر نیست، چراکه چنین شرطی مخالف حکم مسلم شرعی، و باطل است.

ج. اجرت‌المثل

هرچند در خانواده ایرانی دیدگاه مسلط از لحاظ فرهنگی و عرفی این است که امور خانواده را زوجه انجام دهد، ماده ۱۱۷۶ ق.م. به اجرت‌المثل توجه کرده؛ و آن مالی است که در برابر انجام‌دادن کار یا استیفای منفعت از مال دیگری به فرد عامل پرداخت می‌شود. در خانواده مراد اجرت‌امالی است که زوجه به درخواست زوج و بدون قصد تبرع انجام داده باشد، در حالی که

انجام دادن آنها وظیفه وی نبوده است. تعلق اجرت به اعمال مذکور از ماده ۳۳۶ ق.م. نیز استفاده می‌شود و به یکی از مصادیق آن در ماده ۱۱۷۶ ق.م. توجه شده است. مفاد مواد ۲۶۵، ۳۳۶ و ۳۳۷ ق.م. از عوامل مؤثر در الزامی بودن یا نبودن پرداخت اجرت‌المثل را قصد تبرع یا عدم تبرع شخص عامل دانسته است. لذا در آخر ماده ۳۳۶ ق.م. گفته شده: «... مگر اینکه معلوم شود قصد تبرع داشته است» که خود ناشی از تأثیرپذیری نویسندگان قانون از همان دیدگاه مسلط عرفی است. بنابراین، هرچند قصد تبرع، خلاف اصل است و باید ثابت شود ولی خدمت‌کاری زن در خانه کلیشه‌ای است که هویت شخصی او را در اذهان تضمین می‌کند. بنابراین، احساس تعلق به کار خانه برای زوجه از دیدگاه جامعه و حتی قانون‌نویس مهم‌ترین وسیله‌ای است که به طور معمول موجب انسجام و یکپارچگی هویت شخصی زوجه می‌شود و اثبات تبرعی نبودن کارکردن زوجه در خانه در عمل بسیار دشوار است.

د. شرط انتقال اموال در ضمن عقد

شرط انتقال اموال تا نصف دارایی یا شرط تصیف دارایی یکی از شروطی است که ضمن عقد نکاح، زوجین می‌توانند درباره آن توافق کنند. متن شرط مذکور در قباله‌های ازدواج چنین است:

ضمن عقد نکاح عقد خارج لازم زوجه شرط نمود، هر گاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد و طبق تشخیص دادگاه تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتارهای وی نبوده، زوج موظف است تا نصف دارایی موجود خود را که در ایام زناشویی با او به دست آورده یا معادل آن را طبق نظر دادگاه بلاعوض به زوجه منتقل نماید.

بنابراین، شرط عمل کردن زوج به انتقال تا نصف دارایی، وقوع طلاق است و در صورت طلاق هنگامی مستحق چنین حقی است که زوجه درخواست طلاق را مطرح نکرده باشد. البته پژوهشگران به شرط اشتراک اموال نیز توجه کرده‌اند. تحقق اشتراک در اموال و دارایی‌های زوج از نظر فقها محل تردید است،^{۱۱} مگر به نحو شرکت اموال که به تبع شرکت، اموال به دست می‌آید، نه بر اثر فعالیت‌های جداگانه و مستقل (هدایت‌نیا، ۱۳۸۵: ۴۷).

۲.۱. کار منزل، معضلی در حقوق مالی زوجه

در مبانی فقهی در حوزه اقتصاد، اصل احترام به کار حاکمیت دارد، یعنی انجام‌دهنده آن کار

توقع ارزش اقتصادی دارد. متأسفانه درباره کار خانه و اجرت‌المثل آن، زوجه هیچ‌گونه مصونیت قانونی در طول زندگی مشترک ندارد. حتی اگر کار به جدایی و اتمام زندگی مشترک بینجامد در صورتی که عدم قصد تبرع ثابت نشود رویه قضایی بر آن است که برای زوجه‌ای که فقط خانه‌دار بوده و شغل دیگری هم نداشته ارزش کمتری از لحاظ اجرت‌المثل قائل است.

فعالیت زوجه به عنوان مادر و مدیریت امور منزل از مصادیق شرط ارتكازی^{۱۲} است که وفای به آن لازم است و موجب تعهد می‌شود (اسماعیلی و توکلی‌کیا، ۱۳۹۰: ۱۸۲). بنابراین، هرچند در قوانین برای کار خانه اجرت‌المثل تعیین شده ولی عرف و عادت چنان ریشه دوانده که استیفای آن در طول زندگی مشترک بسیار دور از ذهن است، مگر آنکه مسئله ناسازگاری و جدایی پیش بیاید که قانون بخواهد قضاوت کند.

چنان‌که شاهدیم، مطالبه اجرت‌المثل تا چندی پیش، پس از طلاق پیش‌بینی شده بود، ولی مجمع تشخیص مصلحت نظام به موجب «قانون تفسیر تبصره‌های ۳ و ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱» مقرر کرد: «... زوجه می‌تواند قبل از وقوع طلاق حق الزحمه کارهایی را که شرعاً به عهده او نبوده و به دستور زوج و با قصد دریافت حق الزحمه انجام داده با تعیین مبلغی به عنوان نحله از دادگاه بخواهد» (صادقی، ۱۳۹۷: ۵۴). بنابراین، فقط پس از آنکه دادگاه سازش‌ناپذیری زوجین را احراز کند زوجه می‌تواند اجرت‌المثل را مطالبه کند. مستفاد از تبصره ۲، ۳ و ۶ ماده واحده این است که در فاصله بین صدور گواهی سازش‌ناپذیری زوجین و اجرای صیغه طلاق باید مسائل مالی زوجین حل و فصل شود و حقوق مالی زوجه از جمله حق الزحمه به او پرداخت گردد. تعیین کردن این محدودیت زمانی برای اجرت‌المثل و محروم کردن زوجه از این حق، هیچ مبنای شرعی ندارد (هدایت‌نیا، ۱۳۸۵: ۷۳). با این وصف، دریافت آن در مقام عمل در دوران زندگی مشترک امکان‌پذیر نیست، هرچند در صورت طلاق نیز مبالغی که برای این منظور از طریق دادگاه صادر می‌شود بسیار ناچیز است و حیثیت زوجه را از لحاظ انسانی مخدوش می‌کند، چنان‌که در رأی دادگاه خانواده شعبه ۳ اصفهان در تاریخ ۹۸/۱۰/۲۸ برای سی سال زندگی مشترک مبلغ چهل میلیون تومان منظور شده است. البته مطابق مفاد مواد ۲۶۵، ۳۳۶ و ۳۳۷ ق.م.ا. اگر انجام‌دادن امور خانه از سر رضایت بوده باشد و زوجه نتواند ثابت کند که زوج او را ملزم به این کار کرده است و چنین برداشت شود که این احسان و یاری بوده که زوجه از روی علاقه انجام داده است، دیگر از اجرت‌المثل نیز خبری نخواهد بود و نهایتاً زوج به پرداخت مبلغی به عنوان نحله (که ماهیتاً بخشش محسوب می‌شود) ملزم می‌گردد. بنابراین، زوجه خدمت‌گزار احسان‌گری

شناخته می‌شود که ایثارگرانه به اعضای خانواده یاری رسانده (صادقی، ۱۳۹۷: ۵۵) و از دریافت اجرت فعالیت‌های خود باز مانده است.

همچنین، زوج اغلب مهریه را نیز، تا مسئله ناسازگاری زوجین پیش نیاید، نادیده می‌انگارد و اگر زوجه نیز آن را درخواست کند از لحاظ فرهنگی ناپسند و برخلاف هنجارهای مرسوم است. روال رایج بر این است که زوجه در هنگام وقوع طلاق می‌تواند مهریه خود را دریافت کند و در صورت درخواست مهریه معمولاً چنین به نظر می‌رسد که او در فرآیند جدایی و طلاق قرار گرفته است.

به نظر می‌رسد زوجه برای برخورداری از حقوق مالی خود، که از تعهدات زوج است، در طول دوره زندگی مشترک در چارچوب خاصی گرفتار است؛ در جایی عرف و فرهنگ به او اجازه استیفای حقوقش را نمی‌دهد (مانند مطالبه مهریه) و در جای دیگر نیز قانون مسیری صعب‌العبور در مقابل او گسترده است (مانند مطالبه اجرت‌المثل). بدین ترتیب هر گاه زندگی مشترک بعد از سال‌ها به شکست بینجامد، زوجه بدون هر گونه جایگاه مالی مناسبی خود را تنها خواهد یافت.

هرچند به نظر می‌رسد هدف قانون‌گذار رعایت حقوق مالی زوجه بوده و ازدواج را بر پایه تشریک مساعی زوجه و زوج در زندگی مقرر کرده و نکاح را نوعی شراکت در زندگی دانسته است ولی اغماض بر نحوه اجرای قوانین مالی زوجه، بر فرض اینکه خانواده محل همدلی و گذشت است، موجب نقض حقوق زوجه شده است. باید توجه کرد که همدلی و شراکت و احساس مسئولیت در تمامی ابعاد باشد تا بتوان به آن تأکید بلیغ قرآن بر سکونت و آرامش رسید. به همان دلیل که از اصول مهم روابط اجتماعی در اسلام اصل مسئولیت متقابل است، زوجه و زوج در زندگی خانوادگی از هم جدا نیستند، و باید در قبال هم احساس مسئولیت کنند، بدین معنا که اگر حتی ازدواج را نوعی قرارداد نبینیم که زوج باید به تعهدات خود در این قرارداد پای‌بند باشد، و با اراده خود این تعهد را پذیرفته است و باید روابط خود را بر اساس آن تنظیم کند، او در رابطه خود با همسرش مسئولیت متقابلی دارد که نمی‌تواند به سرنوشت همسر خود بی‌اعتنا باشد. این همان مسئله اخلاقی و حقوقی است که جایگاه ویژه‌ای دارد. یعنی در درجه اول وقتی زوج حقوق مالی زوجه را در خانواده ادا می‌کند به معنای اعلام مودت، محبت و دوستی است که با توجه به مشروعیت و جواز به اصلی حقوقی مبدل شده است. متأسفانه، چنان‌که گفته شد، قانون‌گذار هرچند این اصل را نادیده نگرفته ولی در عمل اجرایش را موقوف به زمان ناسازگاری کرده است. لذا لازم است در این باره قوانین بازسازی شود. مثلاً درباره تعهد مهریه، در دنیای واقعی وارثان زوجه از مهریه نصیب می‌برند، زوج از مسئولیت خود سرباز می‌زند و در صورت فوت زوجه حق مهریه

به وراثش می‌رسد. آیا این نوع نگرش و عملکرد بیانگر مودت و محبت و عشق به همسر است؟ یا درباره اجرت‌المثل نیز به نحو دیگری این دستورالعمل جریان دارد، حال آنکه در این حقوق زوجه منتفع اصلی است و حقی تصرف‌پذیر برای او است.

چگونه ممکن است شرطی در قباله‌های ازدواج بیاوریم که در صورت طلاق، آن هم به درخواست زوج، در صورتی که برای دادگاه ثابت شود زوجه تخلف از وظایف همسری نکرده یا سوءاخلاق در رفتارهای او نبوده باشد، زوج موظف است نصف دارایی خود را بلاعوض به زوجه منتقل کند؟ خود این مسئله قطعاً دست زوج را برای طلاق می‌بندد ولی موجب تحریک زوجه به این کار است. در حقیقت، وصول حقوق مالی زوجه را به انحای مختلف به طلاق ختم کرده‌ایم. زوجه می‌تواند از این ابزار سوءاستفاده کند. از سوی دیگر، در صورت ادامه زندگی زوج می‌تواند حقوق مالی زن را نادیده بگیرد و پیگیری زن برای مطالبه حقوق خود از طریق مراجع قانونی به روابط عاطفی زوجین آسیب‌های جبران‌ناپذیری تحمیل خواهد کرد.

۲. حقوق مالی زوجه در خانواده در قوانین فرانسه

یکی از تحولات حقوقی مهمی که در قوانین فرانسه رخ داده مربوط به حقوق مالی زوجه است. مطابق ماده ۱۱۲۴ ق.م. قدیم فرانسه، زوجه در اداره اموال خویش تحت ولایت زوج قرار می‌گرفت و طبق ماده ۲۱۷ ق.م. قدیم فرانسه (۱۸۰۴)، زوجه نمی‌توانست حتی در رژیم تفکیک اموال، بدون همکاری زوج یا اراده مکتوب وی، مالی را هبه یا تملیک کند یا وثیقه قرار دهد یا دریافت کند، خواه این دریافت مالی یا در مقابل عوض باشد. همچنین، نمی‌توانست برابر ماده ۴ قانون تجارت قدیم فرانسه، بدون اجازه زوج وارد تجارت شود یا حرفه‌ای را انجام دهد. در نتیجه این ساختار نابرابر و آثار سوء آن بر وضعیت مدنی زوجه بود که نگرش جامعه فرانسه به زوجین را تحت تأثیر قرار داد و اصل تساوی زوجین در نظام حقوقی خانواده فرانسه، ثمره مطالبات جامعه فرانسه شد و موجب تغییر در قوانین گردید، به طوری که در قانون ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۷ حق زوجه در اداره اموال خویش که از دسترنج خود به دست آورده، شناسایی و در قوانین ۱۸ فوریه ۱۹۳۸ و ۲۲ سپتامبر ۱۹۴۲، به لغو حاکمیت زوج و رفع محجوریت زوجه اقدام شد. در قانون ۱۳ ژوئیه ۱۹۶۵ افزایش اختیارات زوجه در اداره روابط مالی و رفع حق ممانعت زوج از اشتغال زوجه محل توجه قرار گرفت. در قانون ۴ ژوئیه ۱۹۷۰ ریاست انحصاری زوج بر خانواده لغو شد و در نهایت در قانون ۲۳ دسامبر ۱۹۸۵ یکسان‌سازی کامل حقوق و تعهدات مالی زوجین شناسایی شد (دانشگاه حضرت معصومه علیها السلام: ۱۳۹۲: ۵۷۰-۵۷۵).

امروزه در قوانین فرانسه هیچ‌گونه مدلی بر زوجین تحمیل نمی‌شود و آنها در قالب خاص و تعیین‌شده‌ای محدود نیستند و می‌توانند رژیم خاص خود را انتخاب کنند، یا ترکیب و تلفیقی از چند رژیم مالی داشته باشند و بر سر آن توافق کنند. البته بعد از انتخاب رژیم مالی خاص یا طراحی نوعی رژیم دلخواه و توافق بر سر آن حق باطل کردن یا تغییر آن را ندارند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۹). در ادامه به دو رژیم متداول در قوانین آن کشور اشاره می‌کنیم.

۱.۲. رژیم جدایی اموال

در این نوع رژیم هیچ اشتراک مالی بین زوجین وجود ندارد، نه در دوران ازدواج و نه قبل از آن؛ هر یک مستقلاً اختیار تام و کامل درباره اموالشان و نحوه نگهداری و هزینه آن دارند. البته ممکن است اموری را هم شرط کرده باشند اما به هر حال در خانواده فرانسوی زوجین باید هزینه‌های خانه را مشترکاً پرداخت کنند (بداع‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰۴). تعهد در پرداخت نفقه از خصیصه‌های نظم عمومی است و هر کدام از زوجین که توانایی تأمین معاش شخص دیگری را داشته باشد تعهد به انفاق او حتی با زوال زوجیت به واسطه طلاق هم ساقط نمی‌شود و پس از فوت هم، نفقه به نفع همسر بازمانده مطابق ماده ۲۷۰ ق.م.ف. به مدت یک سال باقی است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۶). در حقوق مدنی فرانسه، طبق ماده ۵۷ ق.م.ف.، زوجین به عنوان وظیفه همسری متعهد به انفاق می‌شوند. بند ۳ ماده مذکور مربوط به تعهد به انفاق است و بند ۴ آن درباره مشارکت در تأمین هزینه زندگی است. در حقوق فرانسه نفقه، تکلیفی دوطرفه است، برخلاف قوانین ایران که حتی اگر زوجه متمکن باشد در هر صورت نفقه‌اش بر عهده زوج است (بداع‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰۵). درباره اموال غیر منقول در قوانین فرانسه به دلیل اینکه با هم مخلوط می‌شود اگر طلاق اتفاق بیفتد تصفیه واقعی ضروری است و اموال به مالک واقعی آن تعلق می‌گیرد (همان: ۲۰۷).

۲.۲. رژیم مشارکت در دارایی‌ها

قانون ۱۹۶۵ م.ف. در بند یک ماده ۱۵۶۹ می‌گوید: «هنگامی که زوجین اعلام می‌کنند که تحت رژیم مشارکت در دارایی‌ها ازدواج می‌کنند، هر یک از آن دو در اداره، انتفاع و تنظیم اموال خویش، اختیار کامل دارند. بدون اینکه بین اموال موجود وی در زمان ازدواج یا اموالی که از آن زمان، به وسیله ارث و بخشش به دست می‌آورد و اموالی که وی به صورت معوض در دوران ازدواج کسب می‌نماید، فرقی باشد». این رژیم خود به خود بر اغلب زوجینی که قبلاً بدون تنظیم قرارداد مالی با هم ازدواج

کرده بودند تحمیل می‌شد (بداع‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰۴). بنابراین، نظام حقوقی فرانسه به منظور تساوی در حقوق و تعهدات مالی به روش‌های مختلفی اقدام کرده و تحقق برابری را از طریق شراکت زوجین در اجرای امور طبق ماده ۲۱۳ ق.م. لحاظ کرده و طبق ماده ۲۱۲ ق.م. آن تساوی را از طریق تقابل حقوق و تعهدات برقرار کرده است. طبق ماده ۲۱۴ ق.م.، مشارکت مالی زوجین در تأمین هزینه خانواده از طریق انتخاب رژیم اموال زوجین و طبق ماده ۲۲۳ آزادی اشتغال هر یک از زوجین و طبق ماده ۲۱۷ ق.م. استقلال هر یک از زوجین محقق شده است. همچنین، ماده ۲۲۰ ق.م. امکان انعقاد قراردادهای لازم برای اداره امور روزمره خانواده به دست هر یک از زوجین را فراهم می‌کند. بر مبنای اصل برابری، در بند ۱ مواد ۲۱۷ و ۲۲۰ مقرر شده است که: «هر یک از زوجین می‌توانند عملی را که همکاری یا توافق طرف دیگر برای اجرای آن الزامی باشد، به‌تنهایی انجام دهند، مشروط بر اینکه طرف دیگر از اعلام اراده خویش عاجز باشد، یا امتناع وی از همکاری یا اعلام توافق بر حفظ منفعت خانواده مستند نباشد. و نیز هر یک از زوجین به‌تنهایی می‌توانند به منظور اداره روزه خانواده قراردادهای لازم را منعقد کنند» (باریکلو و مدیو، ۱۳۹۲: ۵۷۰-۵۷۱).

نتیجه

قوانین در ایران به نحوی است که اگر زوجه به کار حرفه‌ای و شغلی ورود نکند مبدل به فردی وابسته از لحاظ مالی به زوج خواهد شد و منابع مالی همچون نفقه، اجرت‌المثل و مهریه دردی از او درمان نمی‌کند و به استقلال مالی‌اش کمکی نمی‌کند، چراکه از لحاظ اجرایی زمانی قابل طرح است که زوج دادخواست طلاق بدهد. حتی در حالتی که دو طرف به درجه‌ای از ناسازگاری برسند که دیگر زندگی با هم برایشان امکان‌پذیر نباشد اگر زوجه دادخواست طلاق داده باشد چون طلاق خلع است امکان توافق بین زوجین برای دریافت نکردن مهریه و اجرت‌المثل میسر می‌شود. بنابراین، این منابع نمی‌توانند در مقام عمل اصل استقلال مالی زوجه را تضمین کنند و به او به عنوان انسانی فعال و دارای حق مالی حیثیت ببخشند.

با توجه به اینکه اهمیت دادن به زندگی خانوادگی برای زوجه و برتری داشتن مصالح خانواده، از سیاست‌های حاکم بر روابط زوجین در نظام کشور ما است و نقش کلیدی زوجه در خانواده الگویی است که ستایش می‌شود و از سوی دیگر اسلام برای خانه‌داری ارزش اقتصادی قائل شده است در این صورت انتخاب آن به عنوان شغل می‌تواند برای زوجه مطرح شود که نتیجه آن دریافت مزد است. چارچوب این موضوع را می‌توان در شروط ضمن عقد روشن کرد یا با بستن قرارداد

جداگانه‌ای زوج متعهد شود که ماهیانه درصدی از درآمد خود را به عنوان اجرت‌المثل به زوج بپردازد، یا زوج وکالت بلاعزل داشته باشد تا هر ماه از حساب درآمدهای زوج مبلغی را به عنوان اجرت کار خانه به توافق برداشت کند. بدین ترتیب امنیت روانی برای زوج ایجاد می‌شود و خانه محلی برای ظلم و ستم به هیچ یک نخواهد شد.

بهرتر است از همان ابتدا، و قبل از ورود به زندگی خانوادگی کلیه توافقات مالی صورت پذیرد. این ناشی از اصل حاکمیت اراده است که مبنای نظام حقوقی اسلام است، با این توجیه که فعالیت‌های زوج در صورتی که کار خانه باشد نوعی همکاری با مرد در به دست آوردن اموال است، چراکه انرژی و وقت خود را به اتفاق صرف آبادکردن زندگی مشترک می‌کنند. لذا زن و شوهر قبل از ازدواج نوعی قرار مالی بین خودشان منعقد کنند و عقد نکاح را مبتنی بر این شرط منعقد کنند یا در ضمن عقد نکاح شرط کنند که مسائل مالی‌شان به چه صورت باشد. مثلاً می‌توانند شرط کنند که زوج متعهد شود که نیمی از درآمد هر ماه خود را به حساب بانکی زوج واریز کند.

در قوانین فرانسه که تا چند دهه پیش زوج به شدت محجور و تحت ظلم آشکار بود و در محرومیت حقوقی به سر می‌برد امروز برای انجام دادن امور روزمره خانواده و کار خانه نیز می‌تواند قرارداد منعقد کند و زمینه توافق برای هر گونه رابطه مالی در چارچوب خانواده برایش مهیا است، چراکه قانون‌گذار اجرای اعمال حقوق مالی را در حوزه خانواده به توافق زوجین مشروط کرده است. شاید برابری کامل برای زوج و زوج در خانواده منطقی نباشد ولی برابری در امکان دسترسی به منابع مالی مهم است. اسلام دینی است که نخواستگی است یکی از وابستگی و نداری رنج ببرد و محدود شود و دیگری در آزادی کامل برای دستیابی به ثروت به سر برد. توجه به نحوه اجرای تعهدات زوج در ادای حقوق مالی زوج با هر روش ممکن می‌تواند کمک کند تا سیاست‌گذاران جامعه به ترجیحات خود دست یابند، در غیر این صورت جامعه مسیر خود را خواهد رفت و اهمیتی به ترجیحات ایشان نخواهد داد.

پی‌نوشت‌ها

۱. «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِينًا مَرِيئًا» (نساء: ۴)؛ «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلِينَ كَامِلِينَ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْفِقَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وِزْرًا خَفِيفًا» (نساء: ۳۲).

۳. منکوحگی، تحت تصدی و تکفل شوهر بودن.

۴. برای نمونه نک: <https://www.britannica.com/topic/coverture>

۵. «وَلَا تَتَمَتَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا».

۶. «الناس مسلطون على اموالهم».

۷. «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِينًا مَرِيئًا».

۸. ناتوانی مرد از آمیزش جنسی.

۹. ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی: نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض.

۱۰. قوانین امری در اصطلاح حقوقی اشاره به قوانینی است که رعایت مفاد آنان به حدی در نظر قانون‌گذار اهمیت دارد که به هیچ وجه نمی‌تواند نقض آن را برتابد. در نتیجه به مردم که علی‌الاصول مکلف به اجرای قانون هستند اجازه نمی‌دهد خلاف آن توافق و عمل کنند. مثلاً مقررات راجع به طلاق از چنان اهمیتی نزد قانون‌گذار برخوردار است که نمی‌تواند توافق خلاف آن را تحمل کند.

۱۱. اسباب اشتراک در فقه چهار نوع است: ۱. شرکت اموال: جمع سرمایه‌های دو یا چند نفر و کسب درآمد از آن؛ ۲. شرکت اعمال: از درآمد مستقل دو یا چند نفر ایجاد می‌شود؛ ۳. شرکت مفاوضه: دو یا چند نفر متعهد می‌شوند هر چه از اموال به دست می‌آورند با هم شریک باشند؛ ۴. شرکت اعتبار: با توافق شخصی از اعتبار دیگری استفاده کند.

۱۲. شرط ارتكازی عبارت است از امری که در اثر وجود عرف و عادت در اذهان مردم ثابت و مستقر گردیده و مردم در اعمال و عادات و معاملات و گفتارشان بر آن اعتماد می‌کنند و آن را مفروض می‌گیرند.

منابع

اسماعیلی، محسن؛ توکلی‌کیا، امیر (۱۳۹۰). «شرط ارتكازی در فقه امامیه و حقوق ایران»، در: پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ش ۳۴، ص ۱۵۱-۱۹۰.

باریکلو، علی‌رضا؛ مدیو، محمد (۱۳۹۲). «کارکرد عدالت نسبت به تأمین حقوق زوجه در خانواده در حقوق

- اسلام و فرانسه»، در: همایش بین‌المللی فلسفه حقوق زوجه در اسلام، ص ۵۵۵-۵۸۹.
- بداع‌آبادی، سمیرا؛ منصور، ارژنگ؛ کریمی، قوام (۱۳۹۸). «بررسی تطبیقی نفقه در حقوق مدنی ایران و فرانسه»، در: کنفرانس ملی حقوق در چشم‌انداز ۱۴۰۴.
- حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۰). فلسفه نظام حقوق زوجه، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حیدری، حسن؛ حاجتی، منیژه؛ ابراهیمی‌نسب، یوسف (۱۳۹۰). «نفقه زوجه در حقوق ایران، فرانسه و سوئد»، در: زن و فرهنگ، دوره ۲، ش ۷، ص ۷۹-۹۳.
- دانشگاه حضرت معصومه (علیها السلام) (۱۳۹۲). مجموعه مقالات همایش بین‌المللی فلسفه حقوق زن در اسلام، قم: آیین محمود.
- صادقی، حسین (۱۳۹۷). «بررسی تفاوت نحله و اجرت‌المثل در نظام حقوقی ایران»، در: مطالعات حقوق، ش ۲۲، ص ۴۷-۶۰.
- عباس‌زاده محمودی، مهسا؛ میر، منصور (۱۳۹۶). «حقوق مالی زوجین در حقوق ایران و فرانسه»، در: کنفرانس ملی تحقیقات علمی جهان در مدیریت، حسابداری، حقوق و علوم اجتماعی.
- فرزند وحی، جمال؛ حسینی، سارا؛ مرادی، پریا (۱۳۹۳). «نقد و بررسی برخی از حقوق سیاسی و اجتماعی زوجه در اسلام»، در: پژوهش‌نامه معارف قرآنی، ش ۱۶، ص ۱۲۳-۱۵۲.
- فهیمی، عزیزالله؛ فهیمی، فاطمه (۱۳۸۷). «اصول حاکم بر حقوق مالی زوجه در کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و حقوق اسلام و ایران»، در: بانوان شیعه، ش ۱۷، ص ۱۷۳-۱۹۹.
- هدایت‌نیا، فرج‌الله (۱۳۸۵). حقوق مالی زوجه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- Potter, Michael (2014). *Act for Real Equality between Women and Men-France*, Providing Research and Information Services to the Northern Ireland Assembly.

References

- Abbaszadeh, Mahmudi, Mahsa; Mir, Mansur. 2017. "Hoghugh Mali Zojeyn dar Hoghugh Iran wa Faranseh (Couples' Financial Rights in Iranian and French Law)", in: *National Conference on World Scientific Research in Management, Accounting, Law and Social Sciences*. [in Farsi]
- Bariklu, Alireza; Madibu, Mohammad. 2013. "Karkard Edalat Nesbat be Tamin Hoghugh Zojeh dar Khanewadeh dar Hoghugh Islam wa Faranseh (The Function of Justice in Securing the Rights of the Wife in the Family from the Perspective of Islamic and French Law)", in: *International Conference on the Philosophy of Wife Rights in Islam*, pp. 555-589. [in Farsi]
- Bedagha Abadi, Samira; Mansuri, Arjang; Karimi, Ghawam. 2019. "Barresi Tatbigghi Nafagheh dar Hoghugh Madani Iran wa Faranseh (A Comparative Study of Alimony in Iranian and French Civil Law)", in: *National Conference on Law in Perspective 1983*. [in Farsi]
- Esmaili, Mohsen; Tawakkolikiya, Amir. 2011. "Shart Ertekazi dar Feghh Emamiyeh wa Hoghugh Iran (Abstract Condition in Imami Jurisprudence and Iranian law)", in: *Islamic Law*, no. 34, pp. 151-190. [in Farsi]
- Fahimi, Azizollah; Fahimi, Fatemeh. 2008. "Osul Hakem bar Hoghugh Mali Zojeh dar Konwansiyon Mahw Kolliyeh Ashkal Tabiz alayh Zanan wa Hoghugh Islam wa Iran (Principles Governing the Wife's Financial Rights in the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women and the Rights of Islamic and Iranian Law)", in: *Shiite Women*, no. 17, pp. 173-199. [in Farsi]
- Farzand Wahy, Jamal; Hoseyni, Sara; Moradi, Pariya. 2014. "Naghd wa Barresi Barkhi az Hoghugh Siyasi wa Ejtemai Zojeh dar Islam (A Review and Critique of Some of the Political and Social Rights of the Wife in Islam)", in: *Quranic Knowledge*, no. 16, pp. 123-152. [in Farsi]
- Hazrat Masoumeh University. 2013. *Majmueh Maghalat Hamayesh Beyn al-Melali Falsafeh Hoghugh Zan dar Islam (Proceedings of the International Conference on the Philosophy of Women's Rights in Islam)*, Qom: Praised Creed. [in Farsi]
- Hedayatnia, Farajollah. 2006. *Hoghugh Mali Zojeh (Wife's Financial Rights)*, Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. [in Farsi]
- Hekmatnia, Mahmud. 2011. *Falsafeh Nezam Hoghugh Zojeh (Philosophy of the Wife Rights System)*, Tehran: Research Institute for Islamic Culture and Thought. [in Farsi]

- Heydary, Hasan; Hajati, Manijeh; Ibrahimi Nasab, Yusof. 2011. "Nafagheh Zojeh dar Hoghugh Iran, Faranseh wa Sued (Wife Alimony in Iranian, French and Swedish Law)", in: *Woman and Culture*, yr. 2, no. 7, pp. 79-93. [in Farsi]
- Potter, Michael. 2014. *Act for Real Equality between Women and Men-France*, Providing Research and Information Services to the Northern Ireland Assembly.
- Sadeghi, Hoseyn. 2018. "Barresi Tafawot Nehlah wa Ojrat al-Methl dar Nezam Hoghughi Iran (Investigating the Difference between Equivalent Remuneration and Donation to Wife in the Iranian Legal System)", in: *Law Studies*, no. 22, pp. 47-60. [in Farsi]